



طرح تعارض منافع



عنوان گزارش: طرح تعارض منافع
انتشار: امور کمیسیون های تخصصی اتاق ایران
شماره گزارش: ۱۹۰۱۵۶
تابستان ۱۴۰۱

فهرست

- ۳..... کمیسیون توسعه پایدار، محیط زیست و آب
- ۳..... کمیسیون توسعه صادرات غیر نفتی
- ۵..... کمیسیون حقوقی و حمایت قضایی
- ۱۴..... کمیسیون حمل و نقل و لجستیک

کمیسیون توسعه پایدار، محیط زیست و آب

۱- ماده (۳) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

به منظور سیاست‌گذاری هدایت، راهبری اجرای این قانون ستاد ملی مدیریت تعارض منافع با ترکیب زیر تشکیل می‌گردد:

- رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور
- معاون حقوقی رئیس‌جمهور
- وزیر اطلاعات
- رئیس سازمان بازرسی کشور
- سه نفر از افراد صاحب‌نظر

به ترتیب یک نفر به انتخاب رئیس‌جمهور، یک نفر به انتخاب رئیس مجلس شورای اسلامی و یک نفر به انتخاب رئیس قوه قضائیه
۲- با توجه به اینکه تشکیل هر ستادی مستلزم تعیین رئیس و دبیرخانه است؛ لذا ضروری است تا این موضوع در طرح مزبور مشخص گردد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود ریاست و دبیرخانه این ستاد برعهده ریاست سازمان امور اداری و استخدامی قرار گیرد.
۳- پیشنهاد می‌شود متن زیر بعنوان ماده (۱۶) به این طرح اضافه گردد:
نظارت بر حسن اجرای این قانون برعهده ستاد است و ستاد موظف است گزارش عملکرد این قانون را هر سال تهیه و به سران سه قوه ارسال نماید.

کمیسیون توسعه صادرات غیر نفتی

تعارض منافع به شرایطی گفته می‌شود که یک شخص بر سر دوراهی منافع اجتماعی و ماموریت‌های سازمانی و از سوی دیگر منافع شخصی، خانوادگی حزبی یا غیره قرار می‌گیرد. در واقع تامین کردن یکی از این منافع منجر به تامین نکردن منافع دیگری می‌شود. بنابراین وجود تعارض منافع لزوماً به معنای بروز فساد نیست بلکه به معنای ایجاد شرایطی است که شخص برای انجام فساد انگیزه دارد و در نتیجه احتمال فساد نیز افزایش می‌یابد. از اینرو شناسایی دقیق مساله تعارض منافع به عنوان بستر اصلی بروز انواع مفاسد، حوزه اثرگذاری و مصادیق گوناگون آن، قوانین جامعی را به منظور مدیریت موقعیت‌های به وجود آمده لازم می‌نماید. با توجه به اهمیت موضوع نظرات این کمیسیون در خصوص «طرح تعارض منافع» که در مرحله نهایی تصویب کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی قرار دارد تقدیم می‌شود:

۱- در ماده اول تعاریف دقیقی از مفاهیم تعارض منافع، منافع شخصی، منافع گروهی، بستگان، مدیریت تعارض منافع، ستاد و موسسات عمومی ارائه شده است که عدم تعریف «منافع عمومی» که در تعریف تعارض منافع به کار رفته است به عنوان یکی از شاخص‌های اساسی اجرای این قانون موجبات عدم اجرای آن را فراهم می‌سازد. لذا مغایر اصل تدوین قوانین مبتنی بر قابل اجرا بودن قوانین، موضوع بند ۹ سیاست‌های کلی قانون‌گذاری است.

۲- در طرح مورد بررسی صرفاً به تعارض منافع فردی پرداخته شده است و به دلیل پیچیدگی و متفاوت بودن سازوکارهای مدیریت تعارض منافع ساختاری، به آن سطح ورود نشده است. شایان توجه است که تعارض منافع در لایه‌های ساختاری و صنفی، مهمتر از تعارض منافع فردی است، که لازم است به آن نیز پرداخته شود.

۳- در ماده ۴ وظایف ستاد آورده شده است که با توجه به عدم تدوین آیین‌نامه اجرایی این طرح ارزیابی وظایف مقدور نیست. بطوری که چگونگی انجام اقدامات لازم در جهت شناسایی موقعیتهای تعارض منافع یا چگونگی انجام هماهنگی در جهت تسهیل تبادل اطلاعات و همکاری بین موسسات عمومی مختلف در مدیریت موقعیتهای تعارض منافع و چگونگی ارزیابی موسسات عمومی در مدیریت آن، مشخص نیست.

۴- در ماده ۴ بند ۵ وجود احکامی به منظور تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی به منظور مهارت افزایی و دانش افزایی مشمولین این قانون برای شناساندن موقعیتهای تعارض منافع و توانمندسازی کارکنان در مدیریت این موقعیت بسیار مناسب است.

۵- در ماده ۶ اشاره شده است که اقدام مدیران و کارکنانی که با علم و آگاهی با چنین اشخاصی معامله انجام داده یا دستور آن را صادر کرده‌اند تخلف اداری محسوب می‌شود. حال چگونگی اثبات داشتن علم و آگاهی مبهم بوده و اجرایی بودن برخورد با متخلف را مشکل می‌نماید.

۶- در ماده ۱۰ دریافت هرگونه هدیه از سوی مشمول این قانون که به مناسبت اشتغال آنها در یکی از دستگاه‌های اجرایی منصرف از آن که در مقابل انجام وظایف اداری و وظایف مرتبط با شغل آنها باشد به غیر از موارد مذکور در تبصره ۲ این ماده ممنوع است و متخلف موظف است آن را اعاده نماید. حال آنکه به بحث سفرها اشاره‌ای نشده است. عدم بررسی سفرها از نقاط ضعف بوده زیرا برخی از تخلفات احتمالی در قالب سفرهای شخصی انجام می‌شود. برخی از سفرها به عنوان یک هدیه اهدا می‌شوند، برای مثال یک شرکت کلیه هزینه‌های رفت و برگشت و اقامت به داخل یا خارج را صرفاً برای تفریح و نه مأموریت، تقبل میکند. این سفرها اتفاقاً میتوانند باعث ایجاد موقعیت تعارض منافع و فسادهای مرتبط با آن شوند.

۷- در ماده ۱۳ دولت موظف شده است به پیشنهاد ستاد الزامات برقراری ارتباط و تبادل اطلاعات، سامانه‌ها و پایگاه‌های داده مختلف موجود را مهیا نماید. در این ماده عنوان نشده است که این سامانه‌ها و پایگاه‌ها پایگاه‌ها تبادل اطلاعات چه نوع داده‌هایی را انجام خواهند داد.

۸- پیشنهاد می‌شود در طرح، الزام نظارت بر حسن اجرای قانون به سازمان بازرسی محول و آورده شود. زیرا مسئولیت نظارت بر حسن اجرای قانون در کشور مستند به اصل یکصد و هفتاد و چهارم قانون اساسی، بر عهده سازمان بازرسی کل کشور است.

مقدمه:

تاریخ توسعه ایران "تاریخ بی توجهی به واقعیت‌ها" است. بی توجهی به بسیاری از واقعیات پیرامون عامل مهمی در توسعه نیافتگی کشورمان است. نظام اداری ما به واسطه معضلات فرهنگی و عوامل سیاسی، مستأصل و از کار افتاده است. در نبود احزاب سیاسی حتی اگر به سرعت مسیر توسعه را به غلط طی کنیم در واقع برای توسعه ایجاد هزینه کرده ایم و سرعت توسعه بسیار کند می شود چراکه حزب به واسطه خواست همیشگی اش برای کسب قدرت مجبور است از جامعه باز خورد بگیرد در نتیجه یا حرکتش را کنترل می کند و یا به اصلاح مسیر می پردازد. ما در ایران به واسطه توسعه سیاسی ناقص و یا عدم پیشرفت در پروسه توسعه سیاسی، از نبود احزاب قدرتمند رنج می بریم و دولت‌ها از باز خورد اجتماعی فعالیت‌های خود، محروم بوده اند. در نبود احزاب صحنه، مبارزات سیاسی به مکانی برای کسب منافع شخصی، قبیله‌ای، جناحی، گروهی و باندی تبدیل می شود و دولت بجای کمک به فرایند توسعه، اعمالی مخمل یا مخرب توسعه انجام می دهد، از این‌ها گذشته فرهنگ امروز ایرانی فرهنگ توسعه‌ای نیست. در فرهنگ توسعه یافته موضوعاتی همچون: انتقادناپذیری، تعارفات بی جا، شخصی شدن پدیده‌های اجتماعی و ملی نیست. در ایران مرزهای میان تدبیر فردی و مصالح اجتماعی به شدت مخدوش است و بارها دیده شده است. این چنین است که توسعه نیافتگی ملت ما از معضلات فرهنگی در رنج است. گاه دیده شده که انتقاد به یک اندیشه تبدیل به دشمنی و حمله به یک صاحب آن می شود. و حق زندگی و معیشت هم از آن گرفته می شود. در نتیجه پاشنه در بجای چرخش حول انتقاد و اصلاح حول خصومت و تضاد می چرخد و فرد انتقاد را نه به مثابه تلاشی برای اصلاح وضعیت بلکه برای تسویه حساب سیاسی بکار می گیرد. این معضل، فرهنگی است. میوه حاصل از این وضعیت قطعاً توسعه نیست. در سایر حوزه‌های فرهنگی نظیر رعایت قوانین، رعایت حقوق مردم، رعایت منافع اجتماع، فرهنگ کار، فرهنگ مالیات، فرهنگ پس انداز، الگوی مصرف، استفاده از امکانات عمومی، مسائل زیادی وجود دارد و دستگاه‌های فرهنگی بجای پرداختن به آن‌ها در مسیر دیگری جولان می کنند و بودجه و اعتبارات دولت در مسیر صحیح و در جای خود به مصرف نمی‌رسانند.

در فرایند توسعه، جامعه ایران با مسئله و بحران سازش کرده است سازش با مسئله و بحران، ویژگی اساسی سیستم‌های توسعه در تاریخ معاصر ایران است. این مشکل امروزه مانند یک غده سرطانی همراه ماست و ما با مشکلات به همزیستی مسالمت آمیز رسیده ایم. زیرا وقتی که باز خوردهایی از ناکارآمدی‌های سیستم‌ها و نهادهای مختلف در ایران به ما می‌رسد باید یا سیستم اصلاح شود یا جای خود را به سیستم و طرز تفکر دیگر بدهد اما این گونه نمی‌شود. در بسیاری از موارد، چه قبل و چه پس از انقلاب با مسائل سازش کرده ایم. مثلاً اگر انتقادهایی در حوزه‌های مختلف می‌شود. اجتماع بخش از این انتقادات را می‌پذیرد اما سیاست گذار به آن بی توجه است و بجای تلاش جهت رفع مشکلات یا در نظر گرفتن آن در برنامه بعدی، مسئله را کتمان یا فراموش می‌کند و این مشکل بر مشکلات قبلی افزوده می‌شود.

۲- نقش تعارض منافع دولتمردان در عدم موفقیت طرح‌های توسعه کشور

از ابتدای شکل گیری انقلاب اسلامی، وجود موقعیت‌های تعارض منافع در اجزا مدیریتی کشور، زمینه بروز ناکارآمدی و شکل گیری تعارضات منافع مکرر در تمامی طرح‌های کلان و برنامه‌های شش گانه توسعه را مهیا نموده است.

تعارض منافع چیست ؟

باید گفت تعارض منافع یک «موقعیت» است؛ در واقع تعارض منافع ناشی از قرار گرفتن فرد یا افراد (اعم از حقیقی و یا حقوقی) در موقعیتی است که برایشان امکان انتخاب میان منافع عمومی و منافع شخصی ایجاد می‌شود و آنها در چنین موقعیتی میان این دو انتخاب قرار می‌گیرند. تعارض منافع نه اتفاقی تازه است و نه صرفاً به عرصه مسائل شغلی بازمی‌گردد. باتوجه به تعریف فوق، در این دوران نشانه‌ها و تعاریف عینی برای تعارض منافع در دولتهای مختلف که مجری پیاده سازی برنامه های توسعه کشور بوده اند کاملاً مشخص شده است که بر مبنای آنها می‌توان مصادیقش را یافت.

تعارض منافع در ساختار مجریان اجرای طرح های توسعه شش گانه:

یکی از تعارضات منافع موجود در ساختار سازمانها و وزارت خانه ها تعارض بین ساختار و وظایف مندرج در طرحها با مجریان میباشد. این تعارض موجب می‌گردد که ساختار سازمانی که بر اساس و الهام گرفته از اهداف و وظایف آن سازمان تعیین می‌شوند با اهداف تفکیکی آن تداخل داشته باشد و این امر باعث شکل گیری نوعی تعارض منافع در آن مؤسسه خواهد شد و بروز ناکارآمدی در عملکرد سازمان نسبت به تکالیف مقرر در مورد طرح های توسعه را در پی خواهد داشت و دستیابی به اهداف را با مشکل مواجه خواهد کرد.

از دیگر ایرادات وارده به ساختار که باعث تعارض در منافع مجریان پیاده سازی طرح های توسعه میگردد به واسطه اختیارات، منابع درآمدی پایدار، حقوق و وظایفی که حاکمیت به آن سازمان اعطا کرده است، مانع بهره‌وری مطلوب و منجر به کاهش کارآمدی آن شده است.

تعدد قوانین مانع از اجرای مطلوب طرح های توسعه

باتوجه به آنکه قوانین جاری بر قوای سه گانه کشور بالاخص با قوه قضائیه عمدتاً با رویکرد کیفری و جرم‌انگاری به برخی از مصادیق تبعات تعلل سازمانی توجه شده است و بستر کلی این قوانین، پیشگیری از فساد یا برخورد با فساد است بخش مهمی از مصادیق تعارض منافع به‌ویژه تعارض منافع مقامات، مسئولان و کارگزاران سیاسی و مقررات‌گذار، تعارض منافع دارندگان وظایف و اختیارات کنترلی، نظارتی و بازرسی و دارندگان وظایف و اختیارات محاسباتی، ارزیابی، ارزشیابی و ممیزی، تعارض منافع اشخاصی که همزمان راجع به موضوعات مشابه به مقامات یا واحدهای مشابه یا متناظر اجرایی، پژوهشی، مشورتی و سیاستگذاری مشاوره می‌دهند، اشخاصی که وظیفه صدور هر نوع گواهی یا مجوز بر عهده آنها گذاشته شده است، اشخاصی که طبق قانون، مجاز به تصدی مشاغل یا سمت‌های متعدد هستند، اشخاصی که امور متقاضیان خدمت را به دفتر یا موسسه خصوصی یا هر محل دیگری که در آن، سهام یا ذی‌نفع هستند ارجاع می‌دهند، اشخاصی که از اختیار اعطای کمک به افراد، سازمان‌ها و مؤسسات غیردولتی برخوردارند و برخی دیگر از حوزه‌های مهم تعارض منافع، در این قوانین، مورد توجه واقع نشده‌اند. افزون بر این، سازوکار مناسبی برای شناسایی و مدیریت انواع تعارض منافع تدارک دیده نشده است.

۱- قانون منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۱۳۳۷

۲- قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲

۳- قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳

۴- قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶

۵- قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷

۶- قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴

۷- قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰

۸- قانون رسیدگی به داریی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۱

۹- همانگونه که اشاره شد وجود این همه قوانین، باعث میشود که ترس و دلهره سراسر وجود مجریان را در برگیرد و مانع از اتخاذ تصمیمات مورد نیاز مدیران گردد و این یکی از اصلی ترین علل عدم تمایل مدیران به انجام امورات بلندمدت میباشد.

نقش قانون اساسی در برنامه های توسعه کشور:

مورد دیگر که بحثی بسیار جدی است الزاماتی است که قانون اساسی در امر توسعه کشور بر عهده سیاست‌گذار نهاده و باید انجام گیرد. متأسفانه بخش‌های بسیاری از قانون اساسی اجرایی نشده و همچنان بلااستفاده مانده است. اجرای تام و تمام قانون اساسی یکی از آرمان‌های بلند انقلابی است که ما ۴۳ سال پیش برای آن خونها داده شده و بسیار مهم است که بدانیم بر سر این قانون که با رأی بسیار بالایی به تصویب رسید چه آمده است. این تعارض است که ما اصولی در قانون اساسی رأی همه ایرانیان را برای آن گرفته‌ایم و تصویب کرده‌ایم اما به‌طور کامل به آن‌ها عمل نمی‌کنیم مگر نه آنکه قانون اساسی تمامی آحاد جامعه را به یک چشم مینگرد و برای رفاه تمامی آنها بیک اندازه امتیاز قائل است پس چرا ما در هنگام برنامه ریزی توسعه کشور به استانها بیک اندازه بودجه ریزی و برنامه ریزی رفاهی نمیکنیم .

آیا در برنامه ریزی های کشور ، بودجه استان کردستان و یا سیستان و بلوچستان با استان تهران با بودجه استان قم بر یک اساس میباشد ؟.

این تبعیض از دیگر علل جدی عدم موفقیت برنامه های توسعه کشور است .

اتصال ایران به جامعه جهانی ، از اصلی ترین موارد پیش نیاز توسعه کشور

آنچه در مبانی توسعه مهم است نگاه حاکمیت در واقعیت امر وبدون استفاده ابزاری وشعاری از توسعه است که باید تکلیف خود را با توسعه ،مدرنیته و باورها و نگرش‌های جدید و نظم جهانی روشن کند. و در جهت مخالف جریان آب شنا نکند. البته این به معنی دست کشیدن از آرمان‌های ما نیست بلکه باید با یک برنامه باثبات و بلندمدت همه آرمان‌های خود را در قالب آن به اجرا درآوریم . این شیوه باید خود را در لابه‌لای برنامه‌ریزی‌های توسعه نشان دهد و پاسخگوی همه نتایج خوب و بد آن باشد. باید نهادهای دموکراتیک تشکیل دهیم که بر اساس شیوه حکمرانی خوب شکل گیرند و در ذات خود باورها و هدف‌های توسعه را داشته باشند و فرایندهای اجتماعی حاکم و ناظر بر آن نیز تعریف کنند، این‌گونه همه نهادها و سازوکار قدرت به قانون پایبند می‌شوند و تأثیر شیوه حکومت بر برنامه‌ریزی‌های ما نیز گسترده‌تر می‌شود.

واقعیت آنست که عملکرد جزیره‌ای دستگاه‌های مختلف با استقلال مالی، انسانی و اجرایی و همچنین بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی یکی از عمده‌ترین موانع پیشبرد برنامه‌های توسعه ایران هستند. همچنان که شیوه‌های بودجه‌ریزی در سازمان برنامه‌ریزی در دوره‌های مختلف از مشکلات بسیاری رنج می‌برد و تبعات فراوانی بر توسعه ایران داشته، نهادهای مستقل و شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی متعددی که حدود مرز و وظایف و اختیاراتشان مشخص نشده آثار ناگواری بر برنامه‌ریزی توسعه دارند. همچنین تداخل در وظایف و تصمیم‌گیری میان دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی و غیردولتی در همراهی با نهادهای نامتعارف، در نظام برنامه‌ریزی ایجاد اختلال می‌کنند و به دلیل نبود حدود مرز مشخص در اجرای وظایف و عدم پاسخگویی آن‌ها دستاورد چندانی

نداشته‌ایم. یکی از بزرگ‌ترین مسائل مبتلابه برنامه‌ریزی توسعه در ایران عدم ثبات در سیاست‌گذاری اقتصادی است. این عامل اصلی‌ترین دلیل شکست برنامه‌های توسعه در ایران است. همراه با تغییر هر رئیس‌جمهور، لیست عظیمی از سیاست‌های اقتصادی هم‌تغییر می‌کند. مقایسه کوچکی میان دولت‌های پهلوی اول، پهلوی دوم، دولت سازندگی (هاشمی رفسنجانی)، دولت اصلاحات (سیدمحمدخاتمی)، دولت عدالت محور (احمدی‌نژاد)، دولت تدبیر و امید (دولت روحانی) و دولت کار و کرامت (دولت رئیسی) به ما نشان می‌دهد که در زمینه یارانه‌ها، بهداشت، نرخ بهره و دستمزد و مسئله قیمت‌ها، نرخ ارز، درآمدهای نفتی، سازمان برنامه، بانک مرکزی، شورای اقتصاد، شورای پول و اعتبار، چاپ پول، سیاست‌های مالی، پولی، سیاست‌های توزیعی، تخصیصی و درآمدی چگونه ۱۸۰ درجه متفاوت عمل کرده شده است. شما تغییرات نرخ بهره به‌عنوان کلیدی‌ترین متغیر اقتصادی را رصد کنید ببینید در طول ادوار دولتهای قبل چه نوسانی داشته است؟ به همین ترتیب سرمایه‌گذاری و منافع کشور هم نوسان داشته است. یا نرخ ارز، نرخ تورم، نرخ بیکاری چگونه نوسان داشته‌اند. دلیل عمده این نوسانات عدم ثبات در سیاست‌گذاری اقتصادی است. و خود سیاست‌ها چقدر باهم در تضاد است. به‌رحال نوسان در این زمینه بسیار زیاد است و نکته مهم آنکه سهم سرانه جمعیتی کشور در بخش خدمات به نسبت سهم سرمایه‌گذاری در آب، ساختمان، کشاورزی و نفت تفاوت فاحشی دارد

ادوار مختلف برنامه های توسعه شش گانه

برنامه اول توسعه ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲

برنامه دوم توسعه ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸

برنامه سوم توسعه ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳

برنامه چهارم توسعه ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸

برنامه پنجم توسعه ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴

برنامه ششم توسعه ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰

موارد مشترک عدم توفیق همه طرح های توسعه کشور:

چه عواملی در میان این ناکامی‌های پیاپی در ایران مشترک است که ما را از رسیدن به توسعه محروم نموده؟ عوامل بیرونی و درونی بر روند توسعه بسیار تاثیر گذاشته است. مثلاً دخالت خارجی‌ها، گروه‌های فشار و ذی‌نفع از توسعه‌نیافتگی کشور، حضور نابجای افراد ناهل و غیرمتخصص در مناصب و تصمیم‌گیری‌های کلان به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی شخصیت‌ها و چهره‌های سرشناسی که باید جامعه را به‌سوی هماهنگی و یکپارچگی وهم افزایشی سوق دهند عکس آن را انجام داده‌اند، به‌ویژه دخالت افراد ناهل و غیرمتخصص در این حوزه مانند نظامیان و سیاسیون از مهم‌ترین عوامل عدم توفیق در برنامه‌ریزی توسعه در ایران است.

اتخاذتصمیمات اشتباه به دلیل عدم آشنایی تصمیم‌گیران نهایی ومقامات بالادست که با مبانی فنی و تئوریک پروسه برنامه‌ریزی، اقتصادی کشور آشنایی حداقلی هم نداشته‌اند موجبات تخریب کل پروسه را فراهم آورده‌اند نمونه آن همین فرازوفروید سازمان برنامه‌ریزی کشورمان است.

دخالت نظامیان، از گذشته‌های دور تاکنون دخالت نظامیان در نحوه اجرای طرح‌های توسعه کشور، روند بسیار پررنگ است و این گروه همواره توانسته‌اند قطار توسعه را از ریل خارج کنند. کارشکنی نظامیان و افراد غیرمتخصص و اختیارات فراقانونی این‌ها در

تاریخ توسعه ایران پر است. البته این خطا هم بی دلیل نیست که خود برمی گردد به دغدغه صاحبان قدرت برای ایجاد و حفظ امنیت، و افزایش مداوم اعتبارات و بودجه نظامی که آن خود شاید توجیه دیگری مثلاً امنیتی داشته باشد. ناگفته پیداست که در وضعیت کنونی ایران موضوع امنیت مقوله‌ای متفاوت از گذشته است و نیازمند بحث جدایی است. ما اشتباهات بسیاری مرتکب شده‌ایم اما متأسفانه از اشتباهاتمان درس نمی‌گیریم. این در حالی است که کشورهای پیشرو در زمینه توسعه از اشتباهاتشان درس گرفته‌اند و نقاط قوت خود را مدام تقویت کرده و خطا را دوباره آزمایش نمی‌کنند.

این نظام باید چه ساختار و ویژگی‌هایی داشته باشد تا در عین توجه به وجوه مختلف توسعه، مورد حمایت نیروهای مختلف اجتماعی و سیاسی هم باشد؟

فاصله عمده ویژگی‌های مدیران مجری طرح های توسعه کشور با پیش نیازها :

نظام مدیریتی مجریان طرح های توسعه ، نخست باید به توسعه با همه جنبه‌ها و بخش‌های مختلف آن توجه داشته باشد. نظام توسعه بدون توجه به ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، زیست‌محیطی و حقوق بشر، و آزادی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که خود تعریف مشخصی دارد میوه‌ای نارس به بار می‌آورد. نظام برنامه‌ریزی ما باید مبتنی بر این موضوعات باشد. البته این ابعاد بنا به مقتضیات زمان تعریف می‌شوند و هیچ‌یک از ابعاد توسعه را نباید محتوم و حتمی فرض کرد. متأسفانه نادیده گرفتن این مبانی موجب شده تا در ایران آنچه به‌عنوان برنامه بر روی کاغذ می‌آید با آنچه به‌عنوان رویکرد عملیاتی برنامه مشاهده می‌شود اختلاف فاحش داشته باشد و بنا بر برخی آمار، تنها ۳۰٪ برنامه‌های طراحی شده عملیاتی می‌شود که این یعنی شکاف و گسستی بزرگ محسوب شده و رفع آن نیازمند تعمق جدی است. حال اگر موفق به پایه‌ریزی نظام برنامه‌ریزی صحیح شویم سیاست‌گذاری اقتصادی باثبات بخش مهم این نظام است.

از عمده‌ترین معضلات نظام اداری ایران می‌تواند به بی‌انضباطی، تداخل عملکرد و جزیره‌ای عمل کردن، تفوق روابط بر ضوابط، بی‌ثباتی مدیریت‌ها، بوروکراسی شدید و عدم حاکمیت و اجرای قانون، فساد، عدم شایسته‌سالاری و ترجیح منافع خود بر جامعه دانست. ظهور شرایطی که دستیابی به منافع خود در تضاد با منافع جامعه باشد وضعیت خطرناکی پیش روی رشد و ترقی جامعه ایران گذاشته است.

عدم ثبات ، مانع اصلی عدم موفقیت طرح های توسعه

تنظیم حدود مرز وظایف و اختیارات نهادها در نظام برنامه‌ریزی توسعه امری حیاتی است. شما همین‌الان در سال ۱۴۰۱ و با وجود حضور مقررترین دولت طی سالهای بعد از انقلاب هم همه این مشکلات را می‌بینید. بی‌انضباطی در سیاست‌گذاری و اجرا کاملاً مشهود است و مصداق بارز تداخل عملکرد در همین مبحث برنامه‌ریزی توسعه کاملاً مشهود است و سیاست‌گذاری اقتصادی کشور میان وزارت اقتصاد، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و بانک مرکزی در حال چرخش و نوسان است.

برنامه پنجم توسعه ، کم‌دی ترین برنامه تنظیمی کشور

عملکرد پنج برنامه توسعه گذشته کشور از جمله برنامه پنجم توسعه که دارای بیشترین مواد قانونی با ۲۳۵ ماده و ۱۹۲ تبصره بوده، نشان می‌دهد نقش مطلوب و موثری در رشد اقتصادی، تثبیت قیمت‌ها، کاهش نرخ بیکاری، توسعه صادرات و کنترل واردات نداشته است، تا حدی که میانگین عملکرد پنج برنامه توسعه گذشته حدود ۵۰ درصد بوده است. چنانچه، به سند چشم‌انداز بیست ساله (سند راهبردی) که در سال ۱۳۸۲ ابلاغ و از سال ۱۳۸۴ (همزمان با شروع برنامه چهارم) اجرا شده است، نگاهی بیندازیم،

مشاهده می‌کنیم که پیش‌بینی شده در سال ۱۴۰۴ نرخ تورم برابر با ۲ درصد و نرخ رشد اقتصادی برابر ۱۰ درصد و نرخ بیکاری معادل ۴ درصد شود، ولی آنچه در عمل اتفاق افتاده این است که نرخ تورم در پایان برنامه چهارم (تنفیذی ۱۳۸۹) و پایان برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۴) حدود ۱۲ درصد و نرخ رشد اقتصادی در پایان برنامه چهارم حدود ۶ درصد ثبت شده است. درخصوص پایان برنامه پنجم نیز گرچه بانک مرکزی گزارشی منتشر نکرده اما مرکز آمار این نرخ را یک درصد اعلام کرده است. نرخ بیکاری نیز در پایان برنامه چهارم حدود ۱۳ درصد و در پایان برنامه پنجم ۱۱ درصد بوده است. برای بررسی شکاف بین برنامه سند چشم‌انداز و عملکرد آن، در ابتدای موانع برنامه‌های توسعه کشور واکاوی شده و سپس برای دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز راه‌حلهایی که موجب پیشرفت و ترقی برنامه‌های توسعه می‌شوند، پیشنهاد شده است. از جمله موانع برنامه‌های توسعه، می‌توان به سه عامل: وجود طرح‌های نافرجام، ارائه گزارش‌های غیرکارشناسی و ناهماهنگی در تقویم و رفتار سیاسی و اجرایی اشاره کرد که باعث شده تنظیم واراده این طرح‌ها بیشتر به یک شوخی شباهت داشته باشد تا یک طرح ملی

ایرادات جدی برنامه ششم توسعه :

۲۸ دی ماه ۱۳۹۴ پس از نزدیک به چهار ماه تأخیر، دولت لایحه‌ای تحت عنوان «لایحه احکام مورد نیاز اجرای برنامه ششم توسعه» در ۳۱ ماده به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد. پیش از این نیز دولت در ۵ آبان‌ماه سال جاری، لایحه دیگری را با نام لایحه «تنظیم برخی از احکام برنامه‌های توسعه کشور» به مجلس ارائه داده بود. با این همه، لویح تقدیمی نه لحاظ ساختاری و نه به لحاظ محتوایی شباهتی با برنامه‌های توسعه‌ای نداشته و تنها شامل برخی احکام کلی در برخی موضوعات بود.

از همان بدو ارائه و به فاصله کمتر از یک هفته از ارائه این لایحه تذکرات متعددی از سوی کارشناسان و نمایندگان مجلس در خصوص این موضوع داده شد. پاسخ دولت در مجموع این بود که جزییات برنامه لازم نیست به تصویب مجلس برسد اما اسناد پشتیبان لازم در اختیار نمایندگان قرار خواهد گرفت.

ایرادات طرح ششم از منظر ساختار

آن لایحه فاقد شرایط ماده ۱ قانون برنامه و بودجه بود و به لحاظ حقوقی مصداق برنامه پنجساله نبود. لایحه تنها اقدام به ارائه بخشی از لایحه برنامه ششم کرده بود و آن نیز فقط بخشی است که طبق تشخیص دولت نیازمند اخذ مجوزهای قانونی از مجلس شورای اسلامی بوده است. سند برنامه به جای تصویب توسط مجلس شورای اسلامی موکول به تصویب هیئت وزیران شده بود. این در حالی بود که تصویب برنامه در مجلس شورای اسلامی کارکردهای مهمی دارد که توسط دولت نادیده گرفته می‌شود. احکام مورد نیاز اجرای برنامه ششم توسعه، مجموعه‌ای از موضوعات نامنسجم و بعضاً غیرمرتبط بوده است. حسب نظر (مرکز پژوهش‌های مجلس - ۴ بهمن ۹۴) مرز بین آن لایحه با لایحه تنظیم برخی از احکام برنامه‌های توسعه کشور که قبلاً تقدیم مجلس شده بود، مشخص نیست.

ایرادات طرح ششم از منظر محتوا

طرح فاقد هرگونه جداول و ارقام کمی بوده است. عدم تصویب اهداف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسط مجلس شورای اسلامی به معنای فقدان تعهد دولت به دستیابی به نتایج مشخص است.

مشخص نبودن اولویت ها و تناسب مجوزها با بحران های اقتصادی:

در چنین شرایطی یکی از وظایف اصلی برنامه توسعه، مشخص ساختن اولویت هاست (این که منابع محدود موجود در کدام بخش های اقتصادی به کار گرفته شود تا بهترین نتیجه حاصل شود). با ملاحظه سند موجود هیچ نشانه ای از اولویت ها در برنامه به چشم نمی خورد.

ارتباط ضعیف لایحه با سیاست های کلی برنامه ششم و سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی؛ آنچه مسلم است میان لایحه و سیاستهای کلی برنامه ششم توسعه ارتباط ضعیفی وجود دارد. در برخی موارد مانند صندوق توسعه ملی، حکم موجود در لایحه مغایر سیاست های برنامه ششم است. در برخی موارد مشاهده می شود که موضوعات اساسی مطرح شده در سیاست های کلی مورد غفلت قرار گرفته اند. همین موضوع درباره ارتباط لایحه با سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی نیز وجود دارد. (مرکز پژوهش های مجلس - ۴ بهمن ۹۴)

پیشنهادات

۱- تشکیل نهاد دائمی تدوین برنامه های توسعه ملی در سازمان برنامه و بودجه:

یکی از آسیب های نهادی در تدوین برنامه های پنج ساله را باید در موقت بودن تشکیل ستاد تدوین برنامه به عنوان متولی هماهنگی، تلفیق و نگارش برنامه در سازمان برنامه و بودجه و نیز شوراهای برنامه ریزی دستگاه های اجرایی دانست که تنها برای یک دوره یک تا ۵/۱ ساله تشکیل و سپس منحل می شود. این موضوع در کنار تعویض پیاپی شخصیت های حقوقی عضو ستاد و شوراهای برنامه ریزی، موجب عدم انباشت و انتقال تجارب به دست آمده به دوره های بعدی و در پی آن قرارگیری برنامه نویسی در محاق تکرار اشتباهات یا عدم ادراک نارسایی ها شده است. از سوی دیگر فقدان وجود مرجعی، همانند کتابخانه ملی یا پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایران داک) که تمامی مطالعات، گزارش های تحلیلی و اسناد مصوب دستگاه های اجرایی و شوراهای مختلف در آن گردآوری و طبقه بندی شود موجب شده است تا دانش سرزمینی به دست آمده از پژوهش ها و اسناد مختلف نتواند آنچنان که شایسته است به کمک تدوین کنندگان برنامه بیاید. بنابراین پیشنهاد می شود یک «نهاد دائمی تدوین برنامه های توسعه ملی» متشکل از کارشناسان زبده سازمان برنامه و بودجه، دستگاه های اجرایی و مراکز پژوهشی در سازمان برنامه و بودجه تشکیل و به طور مستمر روی نظریه پردازی و ایده پردازی روی مفاهیم و موضوعاتی چون برنامه ریزی، توسعه ملی، منافع عمومی و نسبت آن با خواست عمومی مطالعه و بررسی کرده و وظیفه تدوین اسناد توسعه ملی میان مدت و بلندمدت را نیز برعهده بگیرد.

۲- مبنا قراردادن نتایج اسناد آمایش سرزمین ملی و استانی:

با توجه به خلأ چهل ساله فقدان وجود سند ملی آمایش سرزمین در نظام برنامه ریزی کشور، مبتنی بر جزء ۱ بند الف ماده ۲۶ قانون برنامه ششم توسعه کشور، اسناد ملی و استانی آمایش سرزمین تدوین و تا شهریورماه ۱۳۹۹ مراحل تصویب نهایی آن در شورای عالی آمایش سرزمین طی خواهد شد. بنابراین دانش سرزمینی به دست آمده از این اسناد مشتمل بر چشم انداز توسعه سرزمینی کشور، نقش ها و وظایف تخصصی هر قلمرو در نظام تقسیم کار ملی و استانی، قلمروهای مستعد بارگذاری جمعیت و فعالیت و نیز سازمان فضایی (مشتمل بر کریدورها، کانون ها و قطب ها) افق توسعه یافتگی سرزمین و... باید به عنوان یکی از ورودی های موثر بر تدوین برنامه مدنظر قرار گیرد.

۳- تدوین سیاست های کلی پیشنهادی مبتنی بر مسائل و اولویت های کشور و ایده های جدید:

در گذشته سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ می‌شد، به‌صورت مستقیم ماحصل برگزاری جلسات و مطالعاتی از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام بود. در برنامه ششم توسعه، ابتدا یک پیش‌نویس اولیه از سوی سازمان برنامه و بودجه تهیه و به مجمع ارسال ولی در مجمع به‌طور کلی دستخوش تغییر اساسی شد. با این وجود به سبب آنکه مجمع به‌طور مستقیم درگیر مسائل و امور اجرایی کشور و ارتباط تنگاتنگ با دستگاه‌های اجرایی کشور نیست، پیشنهاد می‌شود این سیاست‌ها به سبب اهمیت جهت‌دهندگی آن در ساختار و محتوای برنامه، در یک سازوکار و تعامل چندسویه میان سازمان برنامه و بودجه، مجمع و نهادهای تحقیقاتی با وسواس فراوان و مبتنی بر شناخت دقیق و عمیق از مسائل، چالش‌ها و اولویت‌های کلان و میان‌مدت کشور و با لحاظ ایده‌ها و رویکردهای جدید برای توسعه کشور تدوین شود.

۴- تکرار ماده ۴۶ قانون ششم توسعه در قانون هفتم توسعه

باتوجه به اهمیت ماده ۴۶ قانون ششم توسعه که به موضوعات حیاتی مرتبط با صنایع و تولید ارزش می‌پردازد که مشروح آن ذیلا توضیح می‌گردد پیشنهاد مینماید که ماده مذکور با توجه به اهمیت آن در قانون هفتم تمدید و تجدید گردد.

ماده ۴۶- به منظور رونق تولید، نوسازی صنایع، حمایت هدفمند از صنایع دارای اولویت سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و همچنین توسعه صادرات غیرنفتی، دولت و دستگاه‌های اجرائی ذیربط به شرح زیر اقدام میکنند:

الف - وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است حداکثر ظرف مدت ششماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون، فهرست اولویتهای صنعتی (با اولویت صنایع معدنی) را با رعایت ملاحظات آمایش سرزمینی و تعادل بخشی منطقه ای به تصویب هیأت وزیران برساند.

ب - دولت مکلف است طرح جایگزینی محصولات کم بازده صنعتی و پرمصرف مانند خودروهای فرسوده را سالانه بیست درصد (٪) از سال دوم اجرای قانون برنامه با اعطای مشوقهای مورد نیاز اجراء نماید.

تبصره - آییننامه اجرائی مربوط با پیشنهاد مشترک سازمان، وزارتخانه های صنعت، معدن و تجارت، نفت و نیرو ظرف مدت ششماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران میرسد.

پ - بانک مرکزی (شورای پول و اعتبار) مکلف است سیاستهای پرداخت تسهیلات بانکی را به گونهای تنظیم نماید که سهم بخش صنعت و معدن از تسهیلات پرداختی سالانه طی اجرای قانون برنامه حداقل چهار درصد (٪۴۰) باشد.

ت - دولت مکلف است با رعایت تبصره (۳) ماده (۲۰) قانون رفع موانع تولید رقابتپذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴/۲/۱ طی اجرای قانون برنامه سازوکار لازم برای پوشش خطرات افزایش سالانه بیش از ده درصد (٪۱۰) نرخ ارز را در بودجه سنواتی پیشبینی کند و برای بنگاههای اقتصادی دریافت کننده تسهیلات ارزی طراحی تو به اجراء درآورد.

ث - دستگاههای اجرائی نظیر شهرداریها، محاکم دادگستری، نیروی انتظامی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلفند تا پایان سال دوم برنامه دستورالعملها و فرآیندهای داخلی و زیرساختهای نرم افزاری خود را به گونه ای آماده نمایند تا دریافت اطلاعات از متقاضیان و محاسبه کلیه حقوق و عوارض دولتی مانند بیمه، مالیات، حقوق مالکانه و جریمه های آنها، جریمه ها و عوارض شهرداری و نیز اعتراضات وارده بر آن محاسبات صرفاً با استفاده از نرم افزار و بدون حضور نیروی انسانی همزمان با ارسال الکترونیکی درخواست یا اظهارنامه مربوطه میسر شود و همراه با توضیح کامل محاسبات به صورت برخط (آنلاین) به متقاضی اعلام و پرداختها و دریافتها از طریق الکترونیکی انجام شود.

ج - دولت با همکاری سایر قوا مکلف است به گونه ای برنامه ریزی و اقدام نماید که ورود کالای قاچاق در طول سالهای اجرای قانون برنامه، سالانه حداقل ده درصد (٪۱۰) کاهش یابد و از سال اول اجرای قانون برنامه از فعالیت مبادی ورودی غیرمجاز زمینی و دریایی که خارج از کنترل گمرک است جلوگیری به عمل آورده و گزارش سالانه آن را به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.

چ - سپرده گذاری ده درصد (۱۰٪) سالانه (ارزی) از منابع ورودی صندوق توسعه ملی در قبال اخذ خط اعتباری ریالی برای ارائه تسهیلات ریالی به صنایع کوچک و متوسط تعاونی و غیردولتی در چهارچوب اساسنامه دائمی صندوق توسعه ملی از طریق بانکهای عامل دولتی انجام میشود.

ح - وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است حداکثر تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه، طرح نوسازی و بازسازی صنایع را به نحوی که منجر به کاهش مصرف و شدت انرژی و آلاینده‌گی و افزایش بازدهی و ارتقای کیفیت تولیدات داخلی و رقابت پذیری آنها شود، تدوین و پس از تصویب هیأت وزیران اجرائی نماید. دولت موظف است اقدامات حمایتی و تشویقی و همچنین تأمین تسهیلات اعتباری مورد نیاز را در قالب بودجه سنواتی پیش بینی کند.

خ - دولت مکلف است در راستای تقویت صادرات غیرنفتی و حمایت مؤثر از فعالیت صنایع کوچک و متوسط و دریایی کشور و توسعه فعالیتهای معدنی، حمایت لازم را از صندوق ضمانت صادرات ایران، صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک، تحقیقات و توسعه صنایع الکترونیک، بیمه فعالیتهای معدنی و صنایع دریایی در طی سالهای اجرای قانون برنامه به عمل آورد.

د - دولت مکلف است توسعه و هدفمندسازی پژوهش، آموزش، تولید و تبلیغات و همچنین توسعه تجارت الکترونیک فرش و ایجاد خانه فرش در بازارهای هدف و موردنظر برای هویت بخشی، ارتقای کیفیت تولید و روانسازی، سفارش‌پذیری، حمایت از ایجاد و توسعه و تجهیز کارگاههای متمرکز و غیرمتمرکز و اتحادیه‌ها و شرکتهای تعاونی فرش دستباف روستایی و شهری سراسر کشور و نیز صنایع و خدمات جانبی فرش دستباف به‌منظور ارتقاء و بهبود بهره‌وری، تثبیت و افزایش سهم صادراتی و بازاریابیهای داخلی و خارجی را به عمل آورد.

تبصره - وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف به پیگیری اجرای حکم این بند در دولت است.

حکم ماده (۴۶) (این قانون بر حکم ماده (۱۷) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور حاکم است .

۵- بکار بردن واژه بستگان و سپس ذکر مصادیقی از آن در حالیکه می‌توان از طبقات سببی و نسبی مندرج در قانون مدنی استفاده کرد ، جالب بنظر نمی‌رسد و مشخص است که طرح را یک حقوقدان از نظر ویراستاری ننوشته است.

۶- ستاد ملی مدیریت تعارض منافع فقط از قوای مجریه و قضاییه تشکیل شده است در حالیکه با توجه به گستره وظایف در بند ۵ ماده ۱ هم از بخش خصوص و هم از قوه مقننه هم باید در این ستاد حضور داشته باشند. ضمن اینکه چون بازرسی کل کشور قدرت اجرایی ندارد پیشنهاد می‌شود دادستان کل کشور هم عضو این ستاد باشد.

۷- با توجه به تعریف مشخص موسسات عمومی در بند ۱ ماده ۴ بنظر می‌رسد شناسایی موقعیت‌های تعارض منافع باید مشمول قوای سه‌گانه شود. و موسسات عمومی جامع و مانع نیست.

۸- ماده ۵ از نظر قانون گذاری فاقد حکم بوده و بیشتر یک مقاله تحقیقاتی است که باید نگارش آن به صورت حکم موجز اصلاح گیرد.

۹- ماده ۶ معامله تجاری از نظر قانون نامشخص است. همچنین عبارت " منافع حاصله " مبهم بوده و نحوه محاسبه آن نامشخص است. بهتر است که درصدی از مبلغ معامله ملاک محاسبه جریمه قرار گیرد.

۱۰- ماده ۸ اختیارات اجرایی هم قید شود.

۱۱- چرا فقط افراد موضوه بند ۱ ماده ۲ مشمول این حکم این ماده میباشند. افراد موضوع بند ۲ ماده ۲ نیز در بسیاری از موارد در موقعیتی میباشند که صدور مجوز و نظارت بر فعالیت موسسات خصوصی تحت نظارت سازمان متبوعشان میباشد. لازم است که حکم ماده ۹ شامل هر دو گروه گردد. شمولیت محدودیت ها و الزات پیش بینی شده در این طرح بر هر دو گروه اشخاص موضوع بند های ۱ و ۲ ماده ۲ باید مورد توجه قرار گیرد. ضمنا مهلت سه ماه مندرج در ماده ۹ فرصت مناسبی برای سوء استفاده از این قانون است.

۱۲- ماده ۱۰ شبهه امکان اخذ رشوه را به ذهن متبادر ساخته و به نظر می رسد ناسخ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری باشد. در قانون مذکور از بیست هزار تومان به بالا بازداشت موقت اجباری است در این قانون آن را مباح دانسته است. مفاد تبصره ۲ مفسده انگیز است و قابلیت سو استفاده دارد. حتما حذف گردد ضمن اینکه با مفاد تبصره ۳ نیز در تعارض است. چگونه است که در تبصره ۳ هرگونه هدیه مالی به صورت اطلاق ممنوع است ولی اگر ارزش آن باید از سه صدم حداقل حقوق کارکنان دولت مباح است؟ تبصره ۲

۱۳- ماده ۱۲ مبهم و کارایی و اثر قانونی عدم اجرای آن مشخص نیست.

۱۴- ماده ۱۱ سقفی برای سهام عرضه شده در بورس در نظر گرفته شود.

۱۵- بسیاری از اصطلاحات مندرج در این قانون بهتر است در صدر قانون تعریف شود همچون عبارت " تقاطع گیری" در ماده ۱۳ و دیگر عبارات مربوطه

کمیسیون حمل و نقل و لجستیک

__ با هدف اطمینان از اثربخشی طرح، شایسته است تجربیات آزموده شده دیگر کشورها مورد توجه قرار گیرد.

__ جایگاه و اختیارات دبیر و دبیرخانه ستاد ملی مدیریت تعارض منافع در ماده ۳ مشخص گردد.

__ تعداد اعضای ستاد ۶ نفر (زوج) پیش بینی شده، و چنانچه تصمیم گیری های ستاد مبتنی بر رأی گیری باشد، لازمست تعداد اعضا فرد باشد.